

عنوان مقاله: گونه شناسی مردپنداری در اقوام استان گیلان

نویسندگان: محمد سعید ذکایی، بهجت بزداخواستی، علی یعقوبی چوبری

منبع: فصلنامه علوم اجتماعی - دوره ۱۸ شماره ۵۵ پیاپی ۵۵

صص ۹۳-۱۳۰

چکیده

مردانگی محصول کنش های متقابل در زندگی روزمره است که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی برساخته می شود، مفهوم جنسیت و به تبع آن مردانگی بیشتر تحت تاثیر گفتمان های فرهنگی و اجتماعی است. این مقاله، با استفاده از روش کیفی مصاحبه های فردی و گروهی در نمونه گیری هدفمند به سنخ شناسی مردانگی در اقوام استان گیلان پرداخته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که مردانگی متنوعی به لحاظ درون گروهی (در درون اقوام) و بین گروهی (بین اقوام) در مناطق گوناگون استان گیلان وجود دارد

چکیده

- در کنار مردانگی هژمونیک (سنتی) مردانگی نیمه سنتی، مردانگی مدرن، مردانگی پسامدرن و مردانگی حاشیه ای هم قابل دیدن است. از نظر درون قومی، مردان در عین تشابه با توجه به مکان زندگی، سطوح تحصیلی و سن متفاوتند. از نظر بین قومی بین مردان گیلک در مقایسه با مردان اقوام تالش، ترک و کرد متفاوت به نظر می رسد. آن ها مردانگی را نه بر اساس قدرت و توان بدنی، بلکه عقلانیت در رفتار ملایم توام با مهربانی و مساعدت در خانواده و مراقبت در امور اقتصادی اجتماعی فرهنگی نشان می دهد.

عقلانیت در رفتار ملایم توام با مهربانی و مساعدت در خانواده و مراقبت در امور اقتصادی اجتماعی فرهنگی

واژه های کلیدی:

- قومیت، مطالعات مردان، مردان قدیم، مردان جدید، مردانگی حاشیه ای.



مقدمه و طرح مساله

• بنیان گذاران جامعه شناسی مدرن از جمله ماکس وبر قومیت ونژاد را مفاهیمی ماقبل مدرن می دانست که اهمیت خود را در جامع مدرن از دست داده اند (ثقفی، ۱۳۸۵، ۱۴۲) بنابراین بسیاری از صاحب نظران علوم اجتماعی مدرن معتقدند تجدد و نوسازی، وفاداری های سنتی را از میان برداشته و فرد را متناسب با دستاوردهای فردی اش در تطابق با معیارهای جهانی، با الزامات و امکانات جدید دستاوردهای فردش اش در تطابق با معیارهای جهانی با الزامات و امکانات جدیدی مآجه ساخت چرا که صنعتی شدن، توسعه شهرنشینی، آموزش و ارتباطات جوامع چند قومی را در هم ادغام کرده و تفاوت ها و تمایزهای قومی را کاهش داده است (اتابکی، ۱۳۸۴، ۳۰)

تفاوت ها و تمایزهای قومی



• جامعه شناسانی مانند ردفیلد معتقدند که جوامع در جریان دگرگونی های اجتماعی به دو دسته قومی و شهری تقسیم می شوند. فرض اساسی آن ها بر این است که تمام جوامع، دگرگونی هایی که در غرب اتفاق افتاده است را خواهند گذراند و به صورت جوامع مدرن درخواهد آمد (ازکیا، ۱۳۷۰، ۳۸، طالب و گودرزی، ۱۳۸۳، ۳۳-۳۴)

ردفیلد

- دیدگاه نوسازی مبتنی بر ملاحظات تک خطی است به زعم منتقدین هر فرهنگ پدیده ای منحصر به فرد است و بعضی از ویژگی ها را نباید به سایر فرهنگ های تعمیم داد و همچنین حرکت جامعه بشری، خط سیر معینی ندارد و نمی توان آن را قبلا پیش بینی کرد (توسلی، ۱۳۷۳، ۱۱۵ و ازکیا، ۱۳۷۰، ۴۴)

ملاحظات تک خطی

- در دو دهه اخیر با گسترش جنبش ها و هویت های یابی های قومی، مطالعات تجربی و نظری درباره قومیت در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افزایش یافته است. مروری بر آثار منشتر شده در این باره نشان می دهد که مطالعات نظری، بعد جنسیتی قومیت را نادیده گرفته و مطالعات تجربی نیز به جنسیت بیشتر به عنوان متغیر زمینه ای توجه کرده است. بدین سان لازم تا قوم شناسان جنسیت و پژوهشگران مطالعات مردان، قومیت را به عنوان یک متغیر اصلی در نظر گیرند.

گسترش جنبش ها و هویت های یابی های قومی

- صرف نظر از قومیت مطالعات مردان، یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی جنسیت، جنسیت است که به نظر محققین علوم اجتماعی را در سال‌های اخیر به خود معطوف نموده است. همچنین صیانت از مردانگی و ارزش‌های مرتبط با آن، موضوع مورد علاقه‌ای برای گروه‌های برای گروه‌های «**ضد فمینیسم**» و هواداران «جنبش مردان شده است. چنانکه میدلتون، مطالعات انتقادی فمینیست‌ها را بهترین دلیل بر مساله مند بودن «**مردانگی**» می‌داند (ذکایی و میرزایی، ۱۳۸۴، ۷۱)

- همچنین توجه به مطالعات و جست و جو های اینترنتی نشان می دهد که در ایران در حدود ۱۸ روزنامه، مجله فصلنامه و گاهنامه در خصوص زنان منتشر می شود اگرچه وجود تحقیقات و نشریات یاد شده لازم و ضروری است اما در- مقایسه با- حوزه مردان نشریات ویژه ای وجود ندارد و حتی تعداد مقالات در مورد مردان از انگستان یک دست فراتر نمی رود (محمدی، ۱۳۸۹، ۱۲)

**مطالعات و جست و جو های
اینترنتی**

• همچنین با توجه به دغدغه فمینیست ها درباره فرودستی و انقیاد زنان در جامعه شاید شگفت آور نباشد که نخستین پژوهش ها درباره جنسیتف منحصرأ به زنان و مفاهیم زنانگی اختصاص یافته و مطالعه مردان و مردانگی، موضوعی نسبتأ بدیهی و فارغ از بحث و مسئله قلمداد شده. چنان که تلاش چندانی برای بررسی و مطالعه مردانگی، یعنی تجربه مرد بودن یا شکل گیری هویت های مردانه، صورت نگرفته است. تلاش جامعه شناسان هم بیشتر بر اثبات ستم مردان بر زنان بوده که چگونه روابط فرا دستی مردان و فرو دستی زنان جامعه پدرسالاری را به وجود آورده است.

**روابط فرا دستی مردان و فرو دستی
زنان**

- مفاهیم زندگی اختصاص یافته و مطالعه مردان و مردانگی، موضوع نسبتاً بدیهی و فارغ از بحث و مسئله قلمداد شده، چنانکه تلاش چنداین برای بررسی و مطالعه مردانگی یعنی تجربه مرد بودن با شکل گیری هویت های مردانه صورت نگرفته است. تلاش جامعه شناسان هم بیشتر برای اثبات ستم مردان بر زنان بوده که چگونه روابط فرا دستی مردان و فرودستی زنان جامعه پدرسالاری را به وجود آورده است.

جامعه پدرسالاری

- از طرفی پژوهشگران حوزه مطالعات زنان در صورتی که نسبت به دیدگاه یا دیدگاه های رقیب، یعنی مطالعات مردان در خصوص مسائل اجتماعی، آگاهی نداشته باشند. به نظر بنیان متزلزل و شکننده ای را برای طرح مسائل و راهبردی های امکان ایجاد می نمایند. این شناخت تا آن اندازه اهمی دارد که باید اذعان داشت که برخی مسائل زنان از مسائل مردان بر می خیزند و زنانگی امری است مردانه و بالعکس (گیدنز ، ۱۳۷۶ ، ۱۷۳)

**برخی مسائل زنان از مسائل مردان
بر می خیزند**

• استان گیلان یکی از استان های شمالی ایران است که دارای تنوع فرهنگی و قومی قابل توجه ای است. بیشتر ساکنان شرق این استان گلیک ها هستند و در مناطق کوهستانی، اقوام تالش، تات و کرد اسکان یافته اند. هر چند از کناره های دریای خزر به سمت کوهستان برویم، از جمعیت گلیک ها کاسته و بر تعداد تالش های دامدار و کشاورز، افزوده می شویم

**تالش های دامدار و
کشاورز**

- در مناطق کوهستانی جزیره هایی از قوم ایرانی کرد زندگی می کنند که در منطقه رستم آباد و عمارلو اسکان دارند. متاسفانه با وجود تنوع قومی و فرهنگی در گیلان، تحقیقات بین قومی مناسبی، به ویژه در زمینه قومیت و جنسیت با تاکید بر فرهنگ مردانگی، انجام شده است و یا مطالعات قومی بعد جنسیت را نادیده گرفته اند و یا مطالعات جنسیتی بعد قومیت را مغفول گذاشته اند.

تاکید بر فرهنگ مردانگی

- مقاله حاضر، با بهره گیری از نظریه ها و مفاهیم مطرح شده در زمینه مردانگی و فرهنگ مردانگی و با تاکید بر گونه های مردانگی در میان اقوام استان گیلان در پی پاسخ گویی به این سوال است که با توجه به تنوع قومی در استان گیلان گونه های مردانگی (درون قومی و بین قومی) در این استان کدامند؟



مبانی نظری و چارچوب مفهومی

- دیدگاه نظری در خصوص مردانگی را می توان بر اساس دو مفهوم جنس و جنسیت مورد بررسی قرار داد. این دیدگاه ها را می توان به دو دسته ذات گرا و سازه گرا تقسیم کرد: ذات گرایان بر ویژگی های بیولوژیک تاکید می نمایند و از منظر ان هاف مردانگی معطوف به خصیصه های ذاتی جنس مذکر است. در این دیدگاه مفهوم «مردانگی» ر با «مردی» و «نرینگی» یکی دانسته و اصالت را به «جنس» با مشخصه های ذاتی می دهد. ذات گرایان بر این باورند که چیزی با عنوان «طبیعت انسان» وجود دارد که پیادار است و رفتار و عمل انسان تحت تاثیر آن قرار دارد. این رهیافت وجود یا ساخت درون اشخاص را به منظور تبیین رفتارشان جست و جو می کند (Bun:۱۹۹۸:۳۲)

• در کنار دیدگاه ذات گرایانه، دیدگاه سازه گرایانه وجود دارد. از نظر سازه گرایانه ، جنس بیولوژیکی تنها عامل تعریف زن یا مرد بودن نیست، بلکه ارزش ها و انتظارات اجتماعی و تصورات کلیشه ای از نقش های جنسیتی حکم مذکر به «مردانه بودن» و منت به «زنانه بودن» در یک فرهنگ را تعیین می کنند (Sogilnara, 1999) بنابراین مردان یا مردانگی مبتنی بر ساختار ژنتیکی نیستند، بلکه مردانگی چیزی است که مقارن با فرهنگ پذیری و فراگیری قواعد اجتماعی رفتار، توسط مردان بازتولید می شود (Campbell, 1993 و boynon 2002)

دیدگاه سازه گرایانه

● رویکرد گفتمانی، مردانگی را به عنوان یک برساخته گفتمانی در نظر می گیرد به زعم لاکلو و موف «مرد» نمونه ای از دال اصلی است و گفتمان های گوناگون محتوای متفاوتی به این دال می بخشد. این امر از طریق پیونده دال ها در قالب زنجیره های هم عرضی انجام می گیرد. بر ساختن گفتمانی «مرد» به دقت مشخص می کند که «مرد» با چه چیزهایی هم عرض و با چه چیزهایی متفاوت است. برای مثال یک گفتمان شایع «مرد» را با «قدرت»، «عقل» و «فوتبال» معادل و در تضاد با «زن» - «منفعل»، «صبر و تحمل» و «پخت و پز» قرار می دهد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۸۲) فوکو نیز معتقد است که جنسیت در طی فرایند تاریخی برساخته شده و در طول زمان تغییر می کند (شرت، ۱۳۸۷، ۲۰۶)

یک برساخته گفتمانی

● مطالعات مردم‌شناختی گارفینکل نشان داد که جنسیت و نقش جنسی، فرهنگ محورند، به همین سان مارگریت مید معتقد است که در فرهنگ‌های متعدد، تفاوت‌های جنسیتی بسیار متنوع است و کارهای زنانه و مردانه الزاماً بر حسب جوامع یکسان نیستند. در میان جوامع گوناگون بین نقش‌های اجتماعی و بیولوژیکی جنسی ضرورتاً ارتباطی وجود ندارد، پیروان مکتب «اتنو متدلوژی» جنسیت را منوط به نحوه القای تفویض جنسیت به فرد می‌دانند. (شیخاوندی، ۱۳۸۵، ۱۰۸) گافمن مدعی است جنسیت پدیده‌ای طبیعی نیست، بلکه در جریان تعامل ساخته می‌شود. در این تعاملات مردان و زنان خود تابع کلیشه‌هایی هستند که چگونگی رفتار آن‌ها را از قبل مشخص ساخته است اما درست مثل بازیگران یک نمایش آن‌ها نیز از اندکی آزادی برخوردارند. به طوری که در برخی موارد می‌توانند تا حدی متفاوت عمل کنند (هولمز، ۱۳۸۷، ۷۸-۸۱)

- کانل نیز از رویکرد «برساخت گرایی» به جنسیت و مردانگی پرداخته است. رهیافت او به ویژه در جامعه‌شناسی نفوذ زیادی داشته است. زیرا وی مفاهیم پدرسالاری و مردانگی را در نظریه‌ای فراگیر و جامع در مورد روابط جنسیتی با هم ادغام نموده است. به نظر کانل، جلوه‌های بسیار گوناگونی از مردانگی و زنانگی وجود دارد. در راس این سلسله مراتب «مردانگی هژمونیک» قرار دارند که بر همه انواع مردانگی و زنانگی در جامعه مسلط است که به معنای سلطه اجتماعی یک گروه معین است در کنار مردانگی هژمونیک، «مردانگی همدست» قرار دارد که در موقعیت مسلط مردانگی هژمونیک در نظام پدرسالاری نفع می‌برد.

- در کنار مردانگی های مزبور «مردانگی فرودست» و «همجنس گرا» قرار دارد (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۷۵-۱۷۶) کانل با بررسی مردان گوناگون حاضر در جامعه و ساختن «تیپ های ایده آلی» از مردانگی آن ها، نشان داد که در هر دوره و زمینه خاص روابط جنسیتی خاص مسلط است که مردانگی و زنانگی در آن هژمونیک هستند. در این باره، سایر انواع مردانگی یا زنانگی «منحرف» و غیر طبیعی جلوه خواهد کرد (Laurrie, 1994:4) کیمل نیز دیدگاهی مشابه و سازه گرایانه، درباره مردانگی دارد.

روابط جنسیتی خاص

- کیمل معتقد است که به کار بردن مردانگی ها، نشان از تنوع مردانگی دارد چرا که در هر جامعه و در هر دوره، گروه های گوناگون از مردانگی و تفاوت های فردی، تعریف خود را دارند. هر چند نیروهای اجتماعی دست ب کار ساختن تفاوت های نظام مندی بین مردان و زنان هستند، اما تفاوت های میان مردان و زنان، کمتر از تفاوت های درون مردان و زنان است، برخی از فرهنگ ها، مردان را تشویق می کنند تا بی احساس باشند و مردانگی خویش را به ویژه با اغوای جنسی اثبات کنند اما فرهنگ های دیگر تعریف سازگارتری از مردانگی تجویز می کنند که بر اساس مشارکت مدنی پاسخ گویی عاطفی و برآورده سازی نیازهای اجتماع است (Kimmel, 2000)



- گیدنز نیز با توجه به رویکرد نظری خود در مورد «ساخت یابی» به حوزه جنسیت می نگرد. وی معتقد است که امروزه زن بودن و مرد بودن، از نظر وظایف و هویا یابی معنای روشن و مشخصی ندارد و افراد در چارچوب سرنوشتی که به واسطه ی نقش آن ها و از پیش تعیین شده است، زندگی نمی کنند. هویت مان باید بیشتر توسط خودمان کشف شود، نه به واسطه نقش های اجتماعی که بازی می کنیم. پیدنز چنین شناختی از خود و هویت را «باز اندیشانه» می داند (گیدنز، ۱۳۸۲، ۵۵) بنابراین در فرایند مدرنیسم **قلمرو عاملیت در مقایسه با ساختار** افزایش وسیعی می یابد.

- علاوه بر دیدگاههای سازه گرایانه مزبور، پسا فمینیسم نیز به عنوان بخشی از «فمینیسم پسا مدرن» روایت سازه گرایانه از مفاهیم مردانگی و زنانگی دارد و برای حفظ تداوم فمینیستی خود به تعیین دیگری غیر زنده می پردازد و همچنین برای فراتر رفتن از فمینیسم سنتیف «دیگری» را به گونه ای تعریف می کند که ائتلاف با او ممکن باشد.

• این کار از طریق طرح دوگانگی جدیدزنانگی / مردانگی در مقابل دوگانگی سنتی زنان مردان صورت می گیرد. زنانگی و مردانگی به دو ذات متفاوت بلکه دو برساخته زبانی و فرهنگی هستند که در فرایندهای جامعه پذیری به زنان و مردان منتقل می شوند. این دو برساخته فرهنگی در عین حال که همدیگر را تکمیل می کنند با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین آنها می توانند به جای رابطه دو قطبی که یکی دیگری را نفی می کند دارای یک رابطه تکمیلی باشد (قانعی راد و همکاران، ۱۳۸۱، ۱۳۰)

دو برساخته زبانی و فرهنگی

• نتایج تحقیقات در سطح میدانی راجع به قومیت و مردانگی نیز نشان می دهد که مردانگی یک سازه اجتماعی است راثرفورد با بهره گیری از رویکرد سازه گرایانه، به دو تصویر آرمانی از مردان اشاره می کند. تصویر نخست مرد کیفر رسان یا کین خواه است که با درک عمومی از مردانگی سنتی مطابقت دارد مرد کیفر رسان با تاختن به کلماتی که نماینده خیانتکاران به مردانگی هستند یعنی کسانی که نرم و لطیف یا «خانوم مسلک» شده اند از مردی و سرعت خود دفاع می کند.

**بهره گیری از رویکرد سازه
گرایانه**

- این سنخ از مردانگی شامل مردانی می شود که از جامعه مدرن که مردانگی سنتی ان ها را به چاش گرفته، انتقام جویی می کنند، در مقابل تصویر «**مرد نوین**» قرار دارد. راترفورد مرد نوین را بیان گر ان نوع مردانگی می داند که تاکنون سرکوب شده است. مرد نوین نسبت به زنان، کودکان و نیازهای عاطفی خود حساسیت ویژه ای دارد، از پدر بودن را به راه و رسمی دلپذیر و محبوب تبدیل می کند، و پرورش دهنده ای نیرومند اما ملایم و مهربان است (Rutherford, 1988)

مردانگی سنتی

- جودیت لوریر در حوزه هویت جنسی به سنخ های گوناگون اشاره م کند زن عادی (دگر جنس خواه) مرد عادی، زن همجنس خواه، مرد همجنس خواه، زن دو جنسی، زن مردنما (زنی که معمولا مانند مردان لباس می پوشد) مرد زن نما (مردی که معمولا همچون زنان لباس می پوشد) زن تغییر جنس داده (مردی که تبدیل به زن شده است) و مرد تغییر جنس داده (زنی که تبدیل به مرد شده است) از این رو شاهد تنوع جنسیتی گوناگونی در جامعه هستیم (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۸۲)

تنوع جنسیتی گوناگون

- مارتین مک آن گیل، در پژوهش قوم گرایانه با عنوان «تحصیل و شکل گیری مردانگی و گرایش های جنسی» چهار نوع مردانگی نوظهور را در محیط مدرسه شناسایی می کند. نخست، جوان های لات آن ها گروهی از پسران سفید پوست طبقه کارگری هستند که زیر بار اقتدار نمی روند و از فرایند یادگیری گریزان اند و از دانش آموزان موفق بیزار، گروه دوم درس خوان های موفق، آن ها خود را متخصصان حرفه ای آینده می دانند.

متخصصان حرفه ای
آینده

پژوهش قوم
گرایانه

- گروه سوم ، تاجران نوپا، ان ها شامل پسرانی هستند که به سوی دروس دوره های حرفه ای جدید مثل علوم رایانه ای و مطالعات بازرگانی کشیده می شوند. گروه چهارم مردان انگلیسی واقعی ان ها بیش از سایر گروه های طبقه متوسط دچار زحمت و دردسر هستند چون نگرش دو پهلو و بلا تکلیفی نسبت به آموزش آکادمیک دارند، اما خود را داوران فرهنگ می دانند که بالاتر از خر چیزی ست که معامشان می توانند به آن ها بدهند (MACAN Ghail, 1994)

داوران فرهنگ

دروس دوره های
حرفه ای جدید

• دیوید گیل مور که درباره جنسیت بررسی ها میان فرهنگی انجام داده است معتقد است که اوام کاملا جدا و متفاوت بدون ارتباط با هم در این باره که مردانگی چه باید باشد و چگونه باید ان را به دست آورد. برداشت های بسیار همسانی دارند، مرد ها، در هر کجا که باشند باید با گذراندن آزمون های ویژه انجام دادن وظایف خاص و پشت سر هم گذاشتن انواع گوناگون مراسم ورود مردانگی شان را به اثبات برسانند وی در ان چه که مردانگی در میان فرهنگ های گوناگون تعریف می کند قواعد جالبی را پیدا کرده که عبارتند از آزمون های سخت نیرومندی خطر جویی و اثبات دلیری و مقاومت در برابر درد (بیتس، ۱۳۷۸، ۴۱۱)

گذراندن آزمون های ویژه

- نتایج پژوهش در ایران در خصوص تاثیر قومیت و جنسیت بر یکدیگر در شکل بخشیدن به طرح واره های نقش جنسیتی نشان می دهد که طرح واره های نقش جنسیتی زنانه و مردانه در دو گروه از دانشجویان دختر فارس و کرد تفاوتی با یکدیگر ندارند اما به لحاظ نقش های جنسیتی بین پسران فارس و کرد تفاوت معنا دار وجود دارد علاوه بر این هر دو گروه قومی صفات کمردانه را مثبت تر و صفات زنانه را منفی تر ارزیابی کرده اند (خمسه، ۱۳۸۶، ۱)

**تاثیر قومیت و
جنسیت بر یکدیگر**

**طرح واره های نقش
جنسیتی**

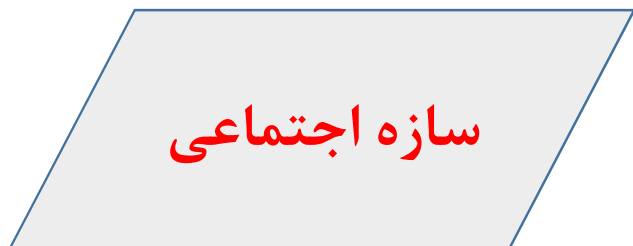
- یافته های پژوهش مشابه در ایران نشان می دهد که مردان و زنان در یک گروه قومی دارای برخی صفات کلیشه ای مشترک بوده و در برخی صفات تفاوت هایی دارند برای مثال زنان در تمام گروه های قومی در صفات مهربانی و دوستانه، کلیشه ای نگریسته می شوند و مردان نیز با صت پرخاشگری بازنمایی شده اند (خمسه، ۱۳۸۳، ۱۲۵)

صفات کلیشه ای مشترک

• صرف نظر از قومیت نتایج پژوهش ذکایی و میرزایی در خصوص پسران جوان و ارزشهای مردانگی ضمن اذعان به وجود تنوعی از مردانگی در میان پسرهای داشتن آموز شهر تهران برخی اختلافات را نیز در زمینه گرایش به ارزش ها و کلیشه های جنسیتی در میان آنها نشان می دهد. نتایج این پژوهش ها شان می دهد که پسرهایی که نمرات بالاتری در مقیاس مردانگی کسب نموده اند، نسبت به سایرین گرایش بیشتری به ارزش های مردانگی و کلیشه های جنسیتی مردانه دارند. همچنین ارتباط معنی داری بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و گرایش پسران به ارزش های مردانگی دیده شد که علت آن ناتوانی در تعیین درست طبقه پسران فرض نشده است (ذکایی و میرزایی، ۱۳۸۵، ۷۰)

**ارزش های مردانگی و
کلیشه های جنسیتی مردانه**

- از رویکرد های گوناگون نظری و مطالعات انجام شده می توان به این نتیجه رسید که «مردانگی» یک سازه اجتماعی است که در جریان تعامل اجتماعی ساخته می شود همچنین مردانگی امری ثابت نیست بلکه می تواند اشکال متفاوتی داشته باشد.



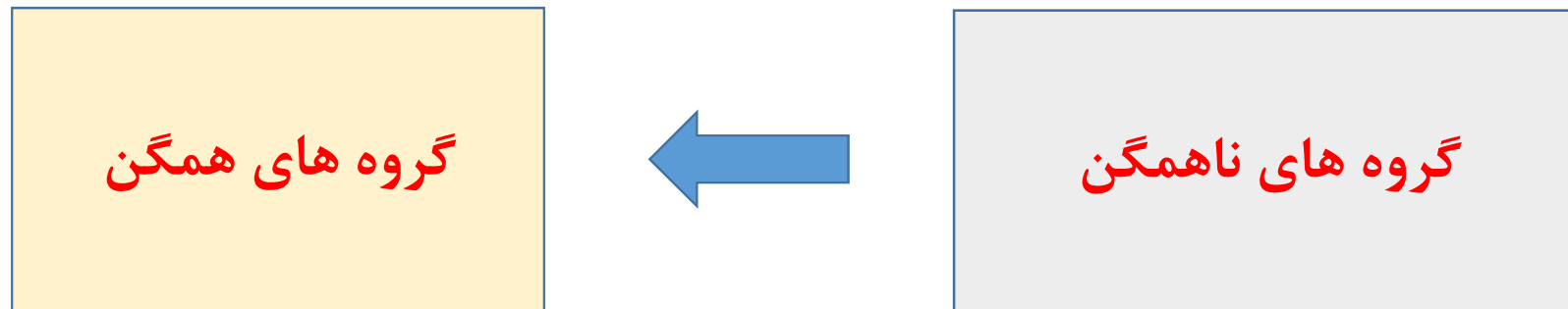
روش پژوهش



• این مقاله برای مطالعه سنخ های مردانگی به شیوه پیشینی عمل نمی کند بکه از طریق روش کیفی تلاش می کند به شیوه پسینی به سنخ شناسی مردانگی در اقوام استان گیلان بپردازد. بنابراین در این پژوهش با تکیه بر روش های کیفی از **مصاحبه های نیمه سازمان یافته** فردی و گروهی (گروه متمرکز) مشاهده و تاریخچه زندگی استفاده شده است. هدف از کاربرد چنین روش هایی شناخت معنا، تفسیر و ارزیابی مردان نسبت به تغییرات مردانگی، فرایندها و مکانیسم های آن در سطح اقوام استان گیلان (گیلک، تالش، ترک و کرد) می باشد، جمع آوری اطلاعات نیز در ساختاری انعطاف پذیر بر اساس تجربه زیسته مصاحبه شوندگان انجام گرفته است.

- در این پژوهش، از **نمونه گیری هدفمند** استفاده شده است و برای آن منظور بر اساس ملاحظات نظری پژوهش و تنوعات قومی و جغرافیایی در میدان مطالعه نمونه ها انتخاب شده اند. روشن است که این شیوه نمونه گیری همچون اغلب شیوه های دیگر پژوهش کیفی به دنبال تصمیم بلکه به دنبال استنتاج و فهم پدیدارشناسانه پدیده ها و روابط و روشن کردن جزئیات و نوع روابط بین مفاهیم و مقولات محری پژوهش است که از بررسی داده های اولیه آشکار شده است (نگاه کنید به ذکایی، ۱۳۸۱، ۲۶۶)

- برای دریافت نظری بیشتر و ایجاد بیشترین پویایی در بحث های گروهی در انتخاب افراد نمونه برای بحث گروهی، ابتدا از گروه های ناهمگن و سپس از گروه های همگن استفاده شد (Morgan, 1988, 58)



- در انتخاب افراد ویژگی های گوناگونی از قبیل سن، تحصیلات، شغل، محل سکونت، مذهب و قومیت در نظر گرفته شد. همان طور که اشاره شد در انتخاب افراد از نمونه گیری هدفمند استفاده شد و نمونه گیری با دستیابی به اباع نظری پایان یافت. **برای این منظور با دوازده نفر به صورت فردی و شصت و نه نفر به صورت گروهی (در قلب یاده جلسه گفتگو) مصاحبه شد..**

- در مصاحبه های گروهی، پنج مصاحبه در مناطق روستایی و شش مصاحبه در مناطق شهری انجام شد. از بین مصاحبه ها چهار مصاحبه به صورت همگن و هفت مصاحبه به صورت ناهمگن انجام پذیرفت اطلاعات بدست مده از گفت و گو با مردان در مصاحبه فردی به مدت پانصد و پنجاه دقیقه و مصاحبه گروهی به مدت هزار و بیست دقیقه می باشد

۳۹۰ دقیقه	۲۰۰ دقیقه	زیباکنار- جورشر	رشت- لاهیجان	۳	۱	۲۶	۴	۴	گیلک
۱۸۰ دقیقه	۱۷۰ دقیقه	ونبین- کانرود- مروت	آستارا	۱	۱	۱۱	۲	۵	ترک
۱۸۵ دقیقه	۱۲۰ دقیقه	شالما- تازه آباد	تالش	۱	۱	۹	۲	۲	تالش
۲۷۰ دقیقه	۶۰ دقیقه	گنجه- چلکاسر	رستم آباد	۲	۱	۲۰	۳	۱	کرد
۱۰۲۵ دقیقه	۵۵۰ دقیقه	۵	۵	۷	۴	۶۶	۱۱	۱۲	جمع

در این پژوهش نواحی جلگه ای شهر های رشت (مرکز استان)، لاهیجان در شرق گیلان وس
واحد زیباکنار به عنوان مناطق گیلک نشین، شهرستان های تالش و ماسال(شهر تالش و
روستای کوهستانی شالمای ماسال) در غرب به عنوان مناطق تالش نشین، شهرستان آستارا در
منتهی الیه غرب گیلان (شهر آستارا و روستای کوهستانی و نبین) به عنوان مناطق ترک نشین و
شهرستن رودبار (روستای گنجه در مجاورت شهر رودبار و روستای کوهستانی چلکاسر) در
جنوب گیلان به عنوان مناطق کرد نشین انتخاب شدند.

- مصاحبه های ضبط شده پس از مکتوب شدن، چندین مرتبه مرور شده و به شیوه تحلیل مضمون ف دلالت های صریح و ضمنی در نظرات مصاحبه شوندگان بر مبنای هر یک از محور های مورد نظر استخراج گردید. در نهایت یافته های بدست آمده از مصاحبه ها به شیوه تحلیل مضمونی منظم ارائه شده است. در این شیوه که غالباً در پژوهش های اکتشافی کیفی مورد استفاده قرار می گیرد. بخش هایی از مصاحبه در حول مضامین گوناگون که از مفاهیم نظری استخراج شده اند، مورد استفاده قرار می گیرد (نگاه کنید به پلامر، ۲۰۰۲)

تحلیل مضمونی منظم

- در گیلان سایر اقوام **تات و لر** هم زندگی می کنند اما به دلیل پراکندگی و عدم دسترسی آسان به آنها از محدوده این پژوهش خارج شدند.

- نتایج پژوهش نشان می دهد که شانزده نفر از مصاحبه شوندگان در گروه سنی ۱۸-۲۹ سال، بیست و هفت نفر در گروه سنی ۳۰-۴۹ سال، سی و پنج نفر در گروه سنی ۵۰ سال به بالا و پانزده نفر از آن ها مجرد و شصت و سه نفر متاهل بوده اند بیست و هشت نفر دارای تحصیلات پایین (بیسواد تا راهنمایی) بیست و پنج نفر متوسط (متوسطه تا فوق دیپلم) و پنج نفر لیسانس و بالاتر بوده اند.

جدول ۲- ویژگی‌های مردان مصاحبه شده

اقوام	سن			وضعیت تاهل		تحصیلات		
	۱۸-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ و بیشتر	مجرد	متاهل	پایین	متوسط	بالا
گیلک	۴	۷	۱۸	۳	۲۶	۱۲	۹	۸
ترک	۶	۷	۳	۵	۱۱	۵	۳	۸
تالش	۴	۴	۴	۴	۸	۴	۴	۴
کرد	۲	۹	۱۰	۳	۱۸	۷	۹	۵
جمع	۱۶	۲۷	۳۵	۱۵	۶۳	۲۸	۲۵	۲۵

- این مقاله به لحاظ سنخ‌شناسی تلاش می‌کند تا به این سوالات پاسخ دهد که
- از نظر طیف‌های گوناگون مورد مطالعه، مردانگی در اقوام استان گیلان دستخوش چه تغییراتی بوده است؟
- آیا می‌توان در اقوام استان گیلان شاهد دو گونه مردانگی قدیم (نتی) و جدید (تعدیل یافته) بود؟ گونه‌های عمده مردانگی در اقوام استان گیلان چه می‌باشند؟
- گونه‌های مردانگی درون قومی و بین قومی در اقوام استان گیلان کدامند؟

گونه‌های عمده مردانگی

تغییرات مردانگی

- ساختن مناسبات قدرت در خانواده ایرانی با گذار از جامعه سنتی به مدرن دستخوش تغییر شده است. با ورود زنان به عرصه اشتغال به جهت ارتقا تکمیل و افزایش درآمد خانواده و همچنین دست یابی به استقلال اقتصادی و حتی اجتماعی فردی، مناسبات قدرت در خانواده های ایرانی دچار تغییرات اساسی شد.

مناسبات قدرت



- چنان که نه تنها نقش نان اوری از انحصار مردان خارج شد، بلکه حوزه تصمیم گیری متقارن گردید و نقش مردان تعدیل شد. در گذشته نمادهای قدرت در مردان با صفات و ویژگی هایی تصویر سازی می شده است که نسبت به زمان حال تفاوت اساسی دارد، تغییرات مزبور در بین اقوام استان گیلان کم و بیش دیده می شود.

تصویر سازی

تصمیم گیری متقارن

- چنان که معتقدند در مناطق گیک نشین، مردان قدیم اقتدار و هیمنه خود را با ترس همراه می کردند و در تربیت فرزندان خود نه تنها سخت گیر بودند، بلکه از روش تربیتی تنبیه بدنی بسیار استفاده می کردند. اما حالی که مردان جدید اقشار تصعید یافته تری را نشان می دهند و از آن جا که اغلب تحصیل کرده اند، رفتار کنترل شده تری دارند و در تربیت فرزندان خود معمولاً از تنبیه بدنی استفاده نمی کنند.

اقشار تصعید یافته تر

• **جعفر ۸۰ ساله** : من قبل از انقلاب با این ژست (پوشش) بیرون نمی آمدم یعنی بهترین کراوات ها را می زدم بهترین کت و شلوارها را داشتم و بهترین ادوکلن ها را می زدم وقتی می رفتم کوچهف عطر ادوکلن من می پیچید ولی الان نمی دونم این کار ار بکنم این الان ور افتاده یعنی پسند نمی کنن.

• **مصطفی ۲۹ ساله:** فرق مردهای قدیم گیلان با مردهای جدید این است که وقتی بابا در خونه خوابیده بود مامان می گفت یواش بابا خوبیاده امروز وقتی خونه می ریم، خانم می گه یواش بچه خوابیده همین رو میشه به فرض کلی گرفت که مرد دیروز چطور بوده و مرد امروز چطور هست.

- **میکائیل ۷۸ ساله** : در آن زمان من جلوی پدرم بچه ام رو بغل نمی کردم می گفتم این عیبه، ولی الان این طور نیست پسر من جلوی من بچه اش و زنش را می بوسه.
- **غلامرضا ۷۳ ساله** روایتی ذکر می کند که تداعی کننده «**مرد کیفر رسان**» را ثر فورد است: مردان در گذشته بیشتر از تنبیه استفاده می کردند. به طوری که من شاهد بودم که چندین بار پدرم، مادرم را از بالای پلکان منزل زد انداخت پایین. او جوری ضربه دید که چند ماه او را با آب و غذا در بستر زنده نگه داشتیم. گذشتگان می گفتند، یک بار بگو مرد خانه هفت بار بگو مرگ خانه (یعنی یک بار خانه مرد و هفت بار بگو خانه مرگ)

تداعی کننده

- در منطقه شرق گیلان نیز برخی معتقدند که مردان قدیم بیشتر بر اساس هنجارهای سنتی خانوادگی عمل می کردند ولی مردان جدید کمتر هنجارهای سنتی خانوادگی را رعایت می کنند که این امر نشان از باز تعریف مردانگی و تغییر نقش سنتی «مرد بودن» و «زن بودن» و به دنبال آن هویت جنسیتی دارد.

● حسین ۴۲ ساله مردهای قدیم لاهیجان پیش پدر و مادر بچه رو بغل نمی کردن و با خانمشون صحبت نمی کردن تمام شئونات رو در نظر می گرفتند. پاهاشون رو دراز کردن و احترام پدر رو نگه می داشتن و جلوتر از او حرکت نمی کردن. اما حالا اینجوری نیست این ها امروز از بین رفته پسر روی پدر فریاد می کشه و فرزندش رو بغل می کنه و می گه فرزندم دلبندم

- در تالش نیز مردان گذشته با توجه به جامعه سنتی رفتارهایشان صبغه سنتی داشت. آن ها مردان دامدار و کشاورز بودند و از روحیات و خصلت پدرسالارانه برخوردار بودند که غالبا تعداد زوجات داشتند اما مردان جدید تالش در هیات بازاری و کارمند در آمده اند.

روحیات و خصلت پدرسالارانه

● **رحیم (تالش) ۳۵ ساله** : مرد قدیم تالش دامدار، کشاورز بوده و حالا بازاری ف کارمند و غیره شده

● **جواد (تالش) ۴۷ ساله**: حالا تغییرات اجتماعی، اقتصادی و جسمی به وجود آمده قبلا مردها درشت هیكل بودن و از نظر اجتماعی پر ابهت بودن الان از نظر اجتماعی و شغلی تغییر کردن قبلا مرد ها دو یا سه تا زن رو به راحتی می گرفتن ولی حالا خیلی کم جرات می کنن. من یادمه که یه فرد چهار تا زن داشت با بابام دو تا زن داشت ولی حالا خودمون روی یه دونه گیر کردیم، قبلا تعداد املاک و احشام شون رو افتخار می دونستن ، الان مسکن و سیله نقلیه خوب، رو بر خود شون افتخار می دونن.

●

• در بین ترک ها نیز مردان جدید مثل گذشته نیستند مردان قدیم آستا مذهبی ترف ساده تر و غیرتی تر نسبت به مردان کنونی بوده اند. از این رو می توان گفت مردان ترک گذشته، در نمایش خصلت ها و رفتارهای سنتی با سایر مردان اقوام گیلانی تفاوتی نداشتند، اما در ایفای نقش مردانگی در قالب موقعیت های از پیش تعیین شده عمل می کردند، ولی این موقعیت ها در جامعه جدید در معرض بازاندیشی قرار گرفته است.

**موقعیت های از پیش
تعیین شده**

● **سیاب:** مرد همان مردهای سابق مردهای قدیم نسبت به حالا غیرتی تر یا مذهبی تر بودند.
مادربزرگم تالشه، تاسف می خوره او می گه جوان های امروزی نسبت به گذشته زمین تا
آسمان فرق کردن، هم از نظر اعتقادات هم از نظر هیکل

• **علی**: من سه تا پسر دارم و یه دخترم دارم آن موقع پیش پدر و مادرم ان ها رو بغل نمی کردم
اسم زنم را صدا نمی زدم.

- کردهای ساکن گیلان معتقدند که در گذشته مردان قدیم از همبستگی اجتماعی بالایی برخوردار بودند کمک به هممنوع از صفات بارز آن ها بود به نظر ان ها کار و فعالیت احترام به بزرگترها، تعصب نسبت به محوریت پدر، صداقت، تدین، از خصلت های مهم مردان کرد قدیم گیلان بوده اما امروزه این ارزش ها دستخوش تغییرات بسیاری شده است.

همبستگی اجتماعی بالا

• حسین (کرد) ۷۱ ساله: زمان های قدیم کسی عروس می آورد جلوی پدر مادرهاشون یک سال
وا نمی ایستادن، شرم می کردن، حرف نمی زدن غذا نمی خوردن، جداگانه غذا می خوردن.

● **جعفر:** غیرت کردها در ان موقع زیاد بود غیرت ما با ان ها زمین تا آسمان فرق می کنه. ان ها حرفی می زدن حرف بود و حتما هم حرف رو انجام می دادن ولی الان دروغ زیاد شده در ان زمان کسی می گفت والله تمام بود نه چک بود و نه سفته...

- تحلیل معنانشناسانه بسیاری از گزاره های مستخرج از مصاحبه ها گویای احساس نوستالژیک نسبت به تغییر ارزش های مردانگی و تغییرات نسلی به مقوله مردانگی است. تفاوت مردان قدیم و جدید یادآور ظنریه کانل است. به نظر وی شاهد تغییرات ژرفی در زندگی مردان هستیم که نشان از پویایی مردانگی در جامعه است. بنابراین، تصور ما از زن بودن و مرد بودن به شرایط خاص جامعه و فهم ما از دو جنس در هر دوره زمانی بستگی دارد.

تغییر ارزش های مردانگی

جدول ۳- تفاوت مردان قدیم و جدید از دیدگاه اقوام استان گیلان

مردان جدید	مردان قدیم	اقوام
------------	------------	-------

<p>ملايم،تحصيل کرده،رابطه عاطفی و ملايم با همسر و فرزندان حتی در حضور والدین، احساس تعهد نسبت به فرزند و همسر، سخت گیری کمتر در تربیت فرزند، کاهش احترام سنتی به والدین نسبت به گذشته،تمرد نسبت به خواست بزرگترها،مخالفت کمتر با فرزندان جهت حضور در قهوه خانه،مشارکت بیشتر مردان در کارهای خانه</p>	<p>هيمنه همراه با ترس، سخت گیری تربیتی، تنبیه بدنی، کراواتی بودن، نداشتن رابطه عاطفی با همسر نزد والدین، رسیدگی کمتر مردان در امر خانواده، اعمال سخت گیری و نظارت بیشتر، رعایت احترام بزرگترها،به زبان نیاوردن اسم همسر نزد والدین، سیگار نکشیدن در حضور بزرگترها، دراز نکردن پا جلوی والدین، شیر ندادن مادر به فرزند در حضور بزرگتر، اجازه ندادن به فرزند جهت حضور در قهوه خانه، قانع بودن</p>	<p>گیلک</p>
--	---	-------------

تالش

دامدار، کشاورز، دارای خشونت نسبت به همسر، تعدد زوجات، قوی هیكل، افتخار نسبت به تعداد دام و احشام، نداشتن رابطه عاطفی با همسر نزد والدین، سبیل گرو گذاشتن در انجام معاملات، تدین، کار سخت جسمانی، شجاعت، صحبت نکردن با همسر در حضور والدین، بغل نکردن فرزند در جلوی والدین، گرایش به چند همسری

کارمند و بازاری، افتخار کردن به داشتن مسکن و وسیله نقلیه، تحرک جسمانی کمتر نسبت به گذشته، از بین رفتن مقبولیت سبیل در انجام معاملات، کار و فعالیت جسمانی کمتر نسبت به گذشته، گرایش بیشتر به تک همسری نسبت به گذشته

<p>کاهش احترام سنتی به والدین نسبت به گذشته، فعالیت کمتر جسمانی نسبت به گذشته، مرجع بودن پاسگاه و دادگستری‌ها در حل اختلافات، کار و فعالیت جسمانی کمتر نسبت به گذشته، اجازه به فرزندان جهت حضور در اماکن عمومی</p>	<p>درشت هیكل، مذهبی، ساده، غیرتی، بغل نکردن بچه نزد والدین، صحبت نکردن با همسر نزد والدین، سادگی، گرو گذاشتن سبیل در انجام معاملات، نشستن فرزندان در پایین مسجد و افراد مسن در بالای مسجد، کار و</p>	<p>ترک</p>
--	--	------------

	فعالیت شدید جسمانی، مرجع بودن ریش سفیدها در حل اختلافات	
--	--	--

کرد

کار و فعالیت شدید، احترام بیشتر نسبت به بزرگترها، تعصب نسبت به محوریت پدر، صداقت، تدین، بغل نکردن بچه در حضور والدین، صحبت نکردن با همسر در حضور والدین، غذا نخوردن عروس در جمع خانواده در اوایل ازدواج، نشستن بچه‌ها در پایین مسجد، همکاری و تعاون، سیل گرو گذاشتن در انجام معاملات، سرکشی به افراد بی‌بضاعت، صداقت، راستگویی، ازدواج بر مبنای تصمیم‌گیری والدین، سخرخیزی برای انجام کارها، اصالت بر مبنای حرف پدر در خانواده، گسترده بودن روابط اجتماعی رو در رو، تحرک جسمانی، اقتدار ریش سفیدها در حل اختلافات، اجازه ندادن به فرزند جهت حضور در قهوه خانه

کار و فعالیت جسمانی کمتر نسبت به گذشته، کاهش احترام سستی به والدین نسبت به گذشته، تحرک جسمانی کمتر نسبت به گذشته، اقتدار کمتر ریش سفیدها نسبت به گذشته، کاهش روابط اجتماعی رو در رو، از دست رفتن اقتدار مردان ریش سفید، کم رنگ شدن صداقت در مردان نسبت به گذشته، از بین رفتن مقبولیت سیل در انجام معاملات

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی

• در کنار دو گروه عمده مردانگی در استان گیلان که برخاسته از دیدگاه مصاحبه شوندگان است و خصلت ذهنی دارد می توان طیفی از سنخ های گوناگون مردانگی، از مردانگی سنتی تا پست مدرنیستی پیدا کرد. که تجلی آن بیشتر ناشی از تجارب و شرایط عینی زندگی ان ها است. تغییرات مردانگی و متعاقب آن، وجود گونه های گوناگون مردانگی نشان از نقش تعیین شده گفتمان های گوناگون در شکل دهی مردانگی دارد که به موجب آن مردانگی در گفتمان منشور می شود. گونه های مزبور عبارتند از:

**از مردانگی سنتی تا پست
مدرنیستی**

مردانگی سنتی

• **مردانگی سنتی:** این سنخ از مردانگی قایل به برتری مردان بر زنان است که با ترویج نقش های جنسیتی، نظم و سلسله مراتب کنونی در خصوص جایگاه زن و مرد در جامعه را حفظ و تثبیت می کند (پاینده، ۱۳۸۷، ۲) بر اساس دیدگاه مرد محوری نظام ارزش مردانه، هنجاری جهان شمول برای زیستن و تجربه کردن جهان است. در این مطالعه ان ها غالبا از اقشار روستایی و دارای تحصیلات پایین هستند که با هر گونه تمایز جنسی در فعالیت های روزمره مخالفند. آنان هر گونه رفتار زنانه توسط مردان را نمی تابند.

زیستن و تجربه کردن جهان

• آنها به بغل کردن بچه، صدا کردن اسم زن در مقابل بزرگترها، اشتغال زنان، حضور زنان در عرصه عمومی و نشا کردن مردان در مزرعه شدیداً نگرش منفی دارند و مخالف همکاری پسران شان با همسران شان در کارهای خانگی هستند و به جامعه پذیری سنتی در تربیت فرزندان معتقدند چنین نگرشی بیشتر در مردان مناطق روستایی اقوام تالش و کرد گیلان دیده می شود ان ها سایر گونه های مردانگی مانند مردان زن صفت و مردان داماد سر خانه را نمی پذیرند.

• از نظر جامعه شناسان چنین سلطه ای شایع ترین شکل حاکمیت مردان در قالب هژمونی مردانه (Connell, 1995) یا در قالب **سلطه سنی مردانه** (MORGAN, 1992) و یا در قالب **برتری مردان** (segal 1990) به حساب آید.

● **رحیم لیسانس ۳۵ ساله** ساکن شهر تالش به نکای اشاره می کند که نشان از روایت خاصی از مردانگی سنتی است :

هنوز برای تالش جا نیفتاده که مرد باید نشا کنه هنوز جا نیفتاده که زن در آژانس کار کنه. معمولا رفتار خشن را به افراد کوهستانی نسبت می دن در نتیجه تالش ها که در کوهستان زندگی می کنن شاید بشه گفت که این رفتار زمخت در آن ها هم وجود داره، شاید مثلا اگر خانمی بدون اجازه شوهر جایی رفته باشه، شاید شوهرش یه کشیده به همسرش بزنه. یا مثلا چیزی را بخواد به همسایه اش بده باید با اجازه همسرش بده برای مردهای غیر قابل قبوله که زن ها بیان معامله کنن حتما باید با اجازه شوهر و همراه شوهر این کار را انجام بدن.

● سیاست های مردانگی آنان در جهت حفظ وضع موجود و تحکیم ارزشهای سنتی جنسیتی است. زیرا حفظ ارزش های سنتی مردانگی منافع این بخش از مردان را بهتر تامین تامین می کند، اما با گسترش شهرنشینی افزایش سواد و اشتغال زنان، مردانگی سنتی مقبولیت سنتی خود را از دست داده و مردانگی بیشتر خصلت سیالیت ، بازاندیشی و تکثر به خود گرفته است از این رو، بازتولید مردانگی سنتی در نواحی روستایی به خصوص کوهستانی بیشتر است ولی با توجه به فردیت و عاملیت در شهرها میزان باز تعریف مردانگی در مناطق شهری بیشتر است.

۱- گسترش شهرنشینی

۲- افزایش سواد

۳- اشتغال زنان



بوردیو

• این امر تداعی کننده دیدگاه بوردیو است که در میادین گوناگون عادت واره های گوناگونی وجود دارد. بنابراین در عرصه های اجتماعی شهری عادت واره های متفاوتی نسبت به مناطق روستایی در خصوص عقاید، ارزش ها و هنجارهای جنسیتی وجود دارد که در ایجاد آن ها استفاده از منابع اقتصادی و فرهنگی موثر می باشد.

عقاید، ارزش ها و هنجارهای جنسیتی

مردانگی نیمه سنتی

- **مردانگی نیمه سنتی:** آن‌ها رویکردی بنیادین (سنتی) - مدرن دارند و با هر گونه خشونت علیه زنان مخالفند. هر چن با تمایز جنسی در فعالیت‌های روزمره مخالفتی ندارند ولی عقیده دارند که ره یک از زوجین باید به نقش‌ها خود عمل کند و تنها در شرایط خاصی این وظایف بر عهده مردان است که زن ناتوان از بر عهده گرفتن نقش خود باشد. این سنخ از مردانگی، یدگاه متفاوت و گاه متعارضی در خصوص نقش‌های «مردانه» و «زنانه» دارد. از یک سو موافق حضور زن در عرصه عمومی به ویژه اشتغال هستند و از سوی دیگر اشتغال زنان در برخی از مشاغل آزاد را نیز نمی‌پذیرند و با برخی نقش‌های سنتی از قبیل بغل کردن بچه صدا کرن اسم زن در مقابل بزرگترها مخالفتی ندارند در عین حال با برخی رفتارهای زنانه مانند زن صفتیو داماد سرخانه شدن خود فرزندانشان مخالفند. چنین نگرشی عموماً در بین همه اقوام دیده شده است.

● منوچهر، دیپلمه، گیلک و ساکن شهر رشت: الان معمولا خانم ها سر کارن یا دانشجو هستن و بچه دار شدن مرد ها و خانم ها هم کمک می کنن به کمک و مساعدتی بشه می رن ظرفی هم می شورن و بچه داری هم می کنن در حال حاضر یه کهنه ای هم عوض می کنن و بچه رو تر و خشک می کنن

- متناسب با جامعه در حال گذار ایران، این سنخ از مردانگی وجود دارد که نه کاملاً سنتی و نه کاملاً مدرن محسوب می شود. استراتژی این بخش از مردان گاه در جهت حفظ ارزش های سنتی مردانگی و گاه در جهت تغییر آن است گذار از مردانگی سنتی به نیمه سنتی نشان از پویایی و لغزندگی مفهوم مردانگی دارد.

پویایی و لغزندگی

● **مردانگی مدرن:** آنها غالباً تحصیل کرده و بیشتر در نقاط شهری و سواحلی گیلان ساکن اند که خیلی موافق نقش های سنتی جنسیتی نیستند، مخالف حضور زنان در عرصه عمومی نیستند و با داماد سر خانه شدن فرزندان شان مخالفتی ندارند، بغل کردن بچه و صدا کردن اسم زنان توسط فرزندان شان آن ها را آزرده نمی سازد و مخالف نشا کردن مردان در مزرعه نیستند. زن صفتی در مقایسه با سایر افراد کمتر ان ها را ناراحت می کند. علاوه بر این با اجتماعی شدن سنتی پسران شان موافق نیستند و خواهان همکاری پسران شان با همسران شان در امور منزل هستند چنین نگرشی بیشتر در شهرهای رشت و منطقه سواحلی گیلک نشین و تا حدودی نقاط ظهر آستارا وجود دارد .

مخالف حضور زنان در عرصه عمومی

- این سنخ از مردانگی با واکنش های متفاوتی در فرهنگ جنسیتی گیلان مواجه بوده است زیرا برخی آن ها را به مثابه «مردان خوب و خانواده دوست» تلقی می کنند و در دید عده ای دیگر به ویژه مردان سنتی متهم به «زن ذلیلی» هستند. به هر حال چنین سیاستی از سوی مردان، نوعی استراتژی مردانگی در مقابل زنان و خانواده محسوب می شود.

• فرامرز(ترک) فوق دیپلم ۵۴ ساله ساکن شهر آستارا: یه مرد زن ذلیل حرف زیاد نمی شوند، تهمت زیاد نمی خوره، جر و بحث هم زیاد نمی کنه...من اگه پدرم بیاد خانه بلند می شم سلام می گم ولی اگه برم خونه پسرم لم داده داره کیف می کنه حتی اگر برم در آشپزخانه دخترم که دانشجو هست. می گه آشپزخانه می ری؟ دو تا چایی هم بردار و بیار .

● سینا (گلیک) ۴۱ ساله فوق لیسانس ساکن شهر رشت: من می رم خونه زنم کارمنده و پاش هم درد می کنه مادرم که از مزرعه می آمد حتی روی مزرعه مردم کار می کرد پدرم این کاسه را روی آن کاسه نمی داشت ولی من می ام خونه یه تعریفی از زن دارم برای خودم. می آم ظرف هم می شورم مثلا آقای مزه (پیرمرد حاضر در مصاحبه) اگر وارد خانه من بشه می گه مگر تو عقل نداری؟ تو مگر مرد نیستی؟

• این سنخ از مردانگی بیشتر تمایلات فمینیستی داشته و در جهت تغییر مردانگی سنتی گام بر می دارند اما اقدامات آن ها غالباً با واکنش منفی مردان سنتی همراه است. لازم به یادآوری است که با توجه به تغییرات موجود در سطح جامعه شاهد به حاشیه رفتن مردانگی سنتی در استان گیلان به ویژه جامعه شهری هستیم و **مردانگی نیمه سنتی از وزن و اهمیت بیشتری برخوردار است** و شکل مسلط مردانگی در گیلان را تشکیل می دهد.

● با توجه به تعریف نسلی از مردانگی، هر چند مردانگی مدرن شکل مسلط مردانگی در گیلان نیست، اما با توجه به تغییرات اجتماعی و دگرگونی در ذایقه جوانان پیش بینی می شود که مردانگی سنتی و نیمه مدرن جای خود را به مردانگی مدرن بدهد زیرا در فرایند نوسازیف میزان فرد گرایی و عاملیت افزایش یافته و باز تعریف هویت جنسیتی مردان رو به فزونی می نهد که به تعریف مجدد از مردانگی بر اساس مقتضیات فرهنگی جوامع و متفاوت از یکدیگر منجر می شود **باز تعریف هویت مردانگی** به شکل گیری هویتی می پردازد که مردان در برابر سنن رایج، آداب و هنجارهای تعریف شده گذشته در پیش می گیرند و مقاومتی را نشان می دهد که ایشان نسبت به تسلط مردانگی هرمنوتیک و نزدیکی دو جنس در حیطه های گوناگون ارائه می کنند (گیدنز، ۱۳۸۲، ۵۵)

- مردانگی پسا مدرن: افزایش قدرت زنان در جامعه شهری گیلان، باعث نگرانی در بین برخی مردان شده است. آن‌ها هر چند با هر گونه ستمگری جنسیتی مخالفند، ولی با خلع ید قدرت مردان نیز موافق نیستند. تزلزل در نهاد خانواده کاهش ازدواج، افزایش طلاق و زیر سوال رفتن برخی سنت‌های دیرینه که بنیان و ثبات اجتماعی را در معرض خطر قرار داده است. اسباب نگرانی برخی مردان در جامعه شهری گیلان به ویژه شهر رشت شده است.

● به زعم آنها گرایش های فمینیستی در ایران چه از جانب مردان و چه از جانب زنان نه تنها حلال مشکلات خانواده به ویژه زنان نیست، بلکه اسباب مشکلات عدیده ای در خانواده شده است. این امر تداعی کننده رویکرد نظری پسا فمینیسم است پسا فمینیسم به عنوان یک گرایش پسامدرن مثبت اندیش و نیز به عنوان یک جنبش اجتماعی جدید می کوشد به سوی برداشتی نظام یافته و انسانی تر گام بردارد بر مبنای باز اندیشی پسا فمینیستی مونولوگ مطرح شده از سوی فمینیسم مدرن، این جنبش را در دام دیکتاتوری زنانه می اندازد و گروه های مقاومت و پاد گفتمان ضد فمینیستی را بر ضد آن بسیج می کند (قانعی راد، ۱۳۸۸، ۱۳۵)

پاد گفتمان ضد فمینیستی

• نیما، ۳۳ ساله و دانشجوی علوم اجتماعی، ساکن شهر رشت، نقطه قوت مرد گلیک آن است که حتی در گذشته نسبت به سایر نقاط ایران احترام بیشتر یبه زن قایل بود ولی ضعف مرد گلیک این است که خود را داره خلع ید می کنه . یعنی منابع قدرت را داره از خودش می گیره و وقتی این را در اختیار زن می ذاره این جاست که بازنده قدرت است

- فریدون ۴۸ ساله و کارشناسی ارشد تاریخ ساکن رشت: نایل شدن زنان به حقوقشان چیز مثبتیه ولی در بعضی جنبه ها نیل به ان حقوق زن را به زور آزمای در خانواده کشانده و چشم و هم چشمی و رفاه در بین خانم ها با توجه به سطح درآمدها یه سری مشکلاتی رو به وجود آورده و اون رابطه سازگاری با مرد را با مشکلاتی مواجه کرده است.
- در کنار سنخ های یاد شده، مردانگی فرودست وجود دارد که در سلسله مراتب پایین مردانگی قرار دارد.

مردانگی حاشیه ای: الف- مردان داماد سرخانه

- یکی از گونه های مردانگی در گیلان «مردان داماد سر خانه» است. یعنی دامادی که بعد از ازدواج به خانواده زن بر گردد و همان جا زندگی کند و «خانه داماد» نام می گیرد. نگرش افراد جامعه نسبت به داماد سرخانه، منفی و توأم با تحقیر سات و به طنز آنان را کارگرف حمال، اجیر و مانند آن می نامند، ان ها به مثابه مردان فرودست تلقی می شوند که نقش حاشیه ای بین مردانگی در گیلان دارند.

مردانگی حاشیه ای: الف- مردان داماد سرخانه

- در برخی اقوام روستایی گیلان (کرد ها و تالش ها) چنین افرادی مردان تحقیر شده ای را به نمای می گذارند. این ها نیز بیشتر در فرهنگ سنتی گیلان همان مردان زن صفت (اواخواهر) در سلسله مراتب پایین مردانگی در استان گیلان جای می گیرد که در قطب مقابل مردان هژمونیک قرار دارند. در این رابطه دیدگاه اقوام متعدد گیلان تحمل بر انگیز است در منطقه گیلک نشین استان گیلان که مردانگی سنتی با چالش بیشتری مواجه شده کمتر نسبت به داماد سر خانه شدن مردان جهت گیری منفی صورت گرفته است.

فرهنگ سنتی گیلان

مردانگی حاشیه ای: الف- مردان داماد سرخانه

- سهراب ۷۷ ساله زیبا کنار: من با داماد سرخانه شدن فرزندم مخالف نیستم بلکه خیلی خوشحالم
- بهزاد ۳۰ ساله ، رشت البته من با داماد سر خانه شدن مخالفم و من این رو برای پسر من نیز ترجیح نمی دهم چون کسی که اهل کار نیست و می خواد تنبلی کنه این کار رو انتخاب می کنه.

مردانگی حاشیه ای: الف- مردان داماد سرخانه

- تالش ها نسبت به «مردان داماد سرخانه» واکنش منفی تری دارند. آن ها چنین مردانی را به مثابه مردان زیر سلطه می دانند که موقعیت مناسبی در سلسله مراتب خانوادگی دارند.

موقعیت مناسبی در سلسله مراتب
خانوادگی

مردانگی حاشیه ای: الف - مردان داماد سرخانه

- حامد ۲۱ ساله: اصلا کسی که به خاطره ثروت زنش ازدواج کنه تا اخر عمر نوکر همسرشه
- جواد ۴۷ ساله: من راضی نیستم
- احمد ۵۶ ساله: من با داماد سرخانه بودن پسر م موافق نیستم.
- بنابراین مناطقی که دارای مردانگی هژمونیک بیشتری هستند بیشتر با داماد سر خانه شدن مخالفند زیرا چنین مردانی بیشتر زیر سلطه اند و مستقیم و غیر مستقیم تداعی کنند زنان و مردان زن نما هستند که جایگاه فرودست در جامعه دارند در مناطق ترک نشین نیز داماد سر خانه شدن مثبت تلقی نمی شود ان ها نیز چنین نقشی را در فرهنگ سنتی ترک ها متداول نمی دانند .

مردانگی حاشیه ای: الف - مردان داماد سرخانه

- **علی ۷۹ ساله** من با داماد سرخانه شدن پسر م موافق نیستم. او بزرگ شده تا برای ما خدمت کنه، نه برای پدر خانمش، من او را بزرگ کردم ، زحمت کشیدم.
- **یحیی ۳۷ سال:** من هم موافق نیستم. چون این در خصلت ترک ها نیست...
- کردها در مناطق شهری در خصوص داماد سر خانه شدن فرزندان خود با توجه به شرایط خاص واکنش ملایم تری نسبت به مناطق روستایی کرد نشین نشان داده اند، ولی نسبت به عقد مکانی داماد که پدیده ای مدرن است که داماد ملزم به زندگی در مکانی خاص به همراه همسر است مخالفت بیشتری نشان داده اند.

مردانگی حاشیه ای: الف - مردان داماد سرخانه

- راهب، ساکن در منطقه شهری رستم آباد: بستگی دارد اگر طرف یه دختر داره یا کسی رو نداره
رفته دخترش رو گرفته با او زندگی کنه اشکالی نداره.

مردانگی حاشیه ای: الف - مردان داماد سرخانه

- انصار، ساکن در منطقه شهری رستم آباد: من اول موقعیت ان طرف را نگاه می کنم...وقتی شناخت کافی داشتم مشکلی نیست. اگر عقد مکانی یعنی این که هیچ جق نداری از رستم آباد خارج بشی. اگر برای پسرم پیش بیاد من قبول نمی کنم، زن باید با لباس سفید بیاد و برد.

مردانگی حاشیه ای: الف - مردان داماد سرخانه

- صادق ۲۷ ساله لیسانسیه: من با داماد سرخانه شدن فرزندم مخالفتی ندارم در مورد خودم هم همین طور.

مردانگی حاشیه ای: الف - مردان داماد سرخانه

- کردهای ساکن در مناطق روستایی در مقایسه با سایر اقوام، واکنش منفی تری در خصوص مردان داماد سرخانه ابراز نموده اند. آن ها چنین پدیده ای را در فرهنگ سنتی کردهای گیلان، امری بهنجار نمی دانند.
- **حسن ۳۱ ساله، در روستای گنجه:** البته توی این محل نیز با داماد سر خانه شدن فرزند مخالفند من هم مخالفم . او انگشت نمای همه می شه اگر حالا شما تازه عقد کردید سه بار در خانه مادر زن ظاهر بشید به شما می گن او چتر انداخته (لنجر انداختن، کنایه از مهمان ناخوانده بودن)



Raewyn Connell

• این امر تداعی کنند نظریه **کانل** است، وی با بررسی مردان گوناگون حاضر در جامعه و ساختن تیپ های ایده آلی از مردانگی آنها نشان داد که در هر دوره و در هر زمینه خاص، روابط جنسیتی خاصی مسلط است که مردانگی و زنانگی در آن هژمونیک هستند. در این باره سایر انواع مردانگی یا زنانگی منحرف و غیر طبیعی جلوه خواهند کرد (لاری، ۱۹۹۹، ۴)

**ساختن تیپ های ایده آلی
از مردانگی آنها**

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- یکی از گونه های مردانگی در گیلان مردان زن نما است که جودیت لوربر در گونه شناسی هویت جنسی به آن اشاره کرده است (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۸۳) این سنخ از مردانگی واژگون شده، معمولاً رفتار و حرکات خود را زنانه نمایش می دهند. چنان که زیر ابرو بر می دارند ادا و اطوار زنانه دارد و با آرایش زنان ظاهر می شود مخالفت با این نوع مردانگی را که همراه با زن صفتی است می توان در ادبیات سنتی نیز جست و جو کرد. در گذشته مردان را از این نوع رفتار بر حذر می داشته اند. **زن صفتی برای مرد وهن و دشنام محسوب می شد.**

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- میر سید علی همدانی (۷۱۴-۷۱۶) نویسنده قرن هشتم می نویسد: دنیا با آن همه نعمت رنگ و بوی فریفته شدن بیش نیست و به رنگ و بوی فریفته شدن خاصیت زنان است. پس هر که را این خاصیت غالب است، به حقیقت زن است، اگر چه به صورت مزد است...» (ستاری، ۱۳۸۶، ۱۰۵) **اقوام گوناگون استان گیلان مردان زن نما را غیر عادی می دانند.** در شرق گیلان مردانی که نمی توانستند نفوذ و قدرت خود را در خانه نشان دهند مقام و منزلت خود را از دست می دادند و صفت «زنگ ماشلی» یا «کرکه مومه» می گرفتند. کاربرد این واژه ها و عبارات توهین آمیز خطاب به مردانی است که از زنی حرف شنوی دارند.

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- این نظام سلطه گری، وجود پدر را با اعمال خشونت همراه می ساخت و این خشونت را برای تربیت صحیح فرزندان لازم می دانست. در چنین فضایی پدر عنوان سردار و مادر عنوان مطیع داشت. در مقابل حرف شنوی زن از مرد نه تنها مذموم نیست بلکه از نکات مثبت برای او نیز محسوب می شود.

نظام سلطه گری

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- نکته مهم آن است که در طی دهه های اخیر شاهد گسترش مردان زن نما در سطح کشور به خصوص مناطق شهری هستیم. از نظر کارشناسان زن نما شدن مردان، نشان از بحران اخلاقی در جامعه دارد. همچنین بحران اخلاقی ناهمجنس نمایی، معرف شرایط گذار جنسیتی جامعه هم به شمار می آید که در آن، ارزش های سنتی مرزبندی جنسیتی، از کارایی افتاده اند و ارزشهای نوین تفکیک پذیری و ادغام پذیری جنسیتی، از کارایی افتاده و ارزش های نوین تفکیک پذیری و ادغام جنسیتی نیز هنوز به درستی جایگزین نشده اند (محمدی اصل، ۱۳۸۴، ۴۸-۴۹)

ارزشهای نوین تفکیک پذیری و
ادغام پذیری جنسیتی

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- زن نما شدن به مثابه پدیده مدرن است که در آن تعهد و پای بندی مردان به مرزبندی های جنسیتی تضعیف شده، البته این مفهوم در فرهنگ جنسیتی گیلان با ساز زن ذلیلی (زن گرایی سنتی) که در آن زنان سلطه جو و مردان سلطه پیر و فرمانبردارند متفاوت است (محمدی، ۱۳۸۹، ۲۱)

تعهد و پای بندی مردان به
مرزبندی های جنسیتی

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- در فرهنگ جنسیتی گیلان این سنخ از مردانگی با وانش های متعددی در بین اقوام استان مواجه شده است. به طوری که این واکنش در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری و در بین اقوام کرد و تالش در مقایسه با اقوام گیلک و ترک منفی تر بوده است. همچنین افراد سنین بالا دیدگاه منفی تر از خود بروز داده اند. در اقوام گلیک استان گلیک استان گیلان چنین عملی زشت، دور از طبیعت مرد، فقدان اصالت مردانگی و همراه با توهین محسوب می شود.

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

تقی گیلک و ساکن شهر رشت: در گذشته منفی بود ولی الان این طور نیست الان اگر چنین نباشه براشون عجیبه. بیشتر خانواده ها کوتاه اومدن.

امیر ۲۴ ساله گلیک و ساکن در لاهیجان به او یه حرف بد می زنن و می گن مثل دختر خراب شده یا از دخت بدتر و یه متلک به او می گن مثل «زنک مچه» (زن صفت)

اردشیر ۵۶ ساله و ساکن در منطقه سواحل می گوید: ان را بد نگاه می کنن یه نوجوان نباید خودش رو زن درست کنه که آن را باید راهنمایی و ارشاد کرد تا به راه درست حرکت کنه. ما دو سه نفر داشتیم. اینجا با آن ها صحبت کردیم که آقا این راه رو که می رین درست نیست.

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- بهمن (تالش) ۴۵ ساله: اینجا بافت، بافت روستایی است و تفکر، تفکر روستایی است اونجور افراد رو یا به دید تحقیر آمیزی نگاه می کنن. آن ها رو مرد نمی دونن به ان ها خیلی کار محول نمی کنن یا به ان اهمیتی نمی دن.

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- **فرشاد (تالش) ۲۰ ساله:** یه کلمه ای که برای این افراد به کار به کار می برن، اینه که فلانی پسر لاتیه یا آدم سالمی نیست که این نوع پوشش رو داره یا قیافه اش اینجوریه.
- **حسین (ترک) ۲۴ ساله:** ان ها که قدیمی اند به او بد نگاه می کنن ولی ان ها که امروزی هستن ان ها رو تشویق هم می کنن و به او می گن کجا رفتی که موهاتو اینجوری درست کردی.
- **مختار (ترک) ۴۵ ساله:** در محل ما چنین آدمی نیست اگر پدر مادرش در این جا بزرگترها می رن به پدر و مادرش می گن که پسرت این کار رو کرده تو محل ما این کار زشته این واسه خانم هاست نه آقایون...

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- **جعفر (کرد) ۳۶ ساله:** ان ها قدیمی اند به او بد نگاه می کنن ولی ان ها که امروزی هستی ان ها رو تشویق هم می کنن و به او می گن کجا رفتی که موهاتو اینجوری درست کردی.
- **مختار (ترک) ۴۵ ساله:** در محل ما چنین آدمی نیست اگر پدر مادرش در این جا باشه بزرگترها می رن به پدر مادرش می گن که پسرت این کار رو کرده تو محل ما این کار زشته این واسه خانم هاست نه آقایون...

مردانگی حاشیه ای: ب) مردان زن نما

- جعفر (کرد) ۳۶ ساله : ان ها رو مثل زن نگاه می کنیم اگر صدا بزنییم او را زن می گیم مرد باید مردانگیش رو از خروس یاد بگیره ان که می خواد فوفولی بکنه سینه اش رو می اندازه جلو.

• در مجموع مردان زن نما در استان گیلان، در گروه مردان فرودست قرار می گیرند که از راه و رسم مردان و هنجارهای جنسیتی متعارف عدول کرده اند که نه تنها مورد اهانت مردان بلکه مورد اهانت زنان هم قرار می گیرند از نتایج ماحبه می توان دریافت که هر چند مفهوم جنسیت در استان گیلان دستخوش تغییراتی شده، ولی جامعه همچنان خواهان حفظ مرزبندی جنسیتی است. الگوی گفتمانی که جامعه از مردان انتظار دارد بازتولید مردانگی است. این مدل مردانه، از همه مردان و زنان می طلبد که با رعایت ارزش ها و هنجارها در خصوص مرزبندی های جنسیتی ایفای نقش کنند.

بازتولید مردانگی



- تعبیر خروس به مثابه مردانگی تداعی کننده دیدگاه گیرتز در مورد «جنگ خروس اهالی بالی» است که در آن تحقیق خروس نماد مردانگی است به نظر گیرتز ویژگی های اخلاقی زبان روزمره، جنبه مردانه دارند و خروس وارند (گیرتز، ۱۹۷۳، ۱۴۸)

نتیجه گیری

- نتایج به دست آمده از مصاحبه های فردی و گروهی و سایر تکنیک های کیفی نشان می دهد که مردانگی صرفا امری بیولوژیک نیست بلکه **سازه اجتماعی** نیز هست. همچنین مردانگی امری ثابت نیست بلکه پویا است و در اقوام استان و در سنین متفاوت شاهد تنوعی از مردانگی هستیم نتایج تحقیق نشان داد که هر چند آرمان های جنسی از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت دارند، اما پشت این گوناگونی ها، همانندی های چشم گیری از نظر تصورات قالبی جنسی دیده می شود.

CONCLUSION

• نتایج پژوهش نشان می دهد که مردانگی یک برساخته اجتماعی است. جنسیت نه تنها چندگانه است، بلکه نسبی نیز هست. نکته مهم آن است که مردان ایده های خویش از مرد بودن را در ارجاعی پیوسته به تعریف های زنانگی بر می سازند. آن چیزی که به معنی مرد بودن است، هیچ همانندی با زن بودن ندارد..

• در این مورد «زن نما بودن» و «داماد سر خانه شدن» در بین اقوام گوناگون استان گیلان با واکنش یکسانی همراه نیست. به طوری که در اقوام گیلک و ترک در مقایسه با اقوام کرد و تاشل ساکن استان گیلان با تساهل بیشتری همراه بوده است. همچنین در درون اقوام نیز این امر یکسان نیست زیرا در بین افراد تحصیل کرده جوان و شهری در مقایسه با افراد بیسواد، مسن و روستایی، با مدارای بیشتری مواجه می شوند. ولی به طور کلی، نگاه تحقیر آمیز تنها وجه مشترک اقوام استان گیلان بوده است. بنابراین مردان از طریق تمایز، با رد کردن هر آن چه زنانه اش می دانند با بی ارزش ساختن زنانگی دوران خود (جداسازی) و دیگران (برتری مردانه) مرد بودن خود را تعریف می کنند

• نتایج تحقیق نشان می دهد که دو تعبیر از مردانگی در استان گیلان وجود دارد یکی مردان قدیم و دیگری مردان جدید درباره مردان قدیم و جدید نگرش متفاوت و گاه متناقضی ابراز شده است. مردان قدیم زمخت و کیفر رسان و از قدرت هژمونیک در خانواده برخوردارند. در عین حال دین دار، غیرتی، قدرتمند و قابل اعتماد بازنمایی شده اند اما مردان نوین در ایستارهای خود نسبت به زنان ف کودکان و نیازهای عاطفی آنها حساسیت فراوانی دارند، ان ها پدر بودن را به راه و رسمی دلپذیر و محبوب تبدلی می کنند و پرورش دهنده نیرومند اما ملایم و مهربان اند (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۸۱)

• این سنخ از مردانگی، با خصلت هایی چون عمل به شعائر مذهبی، قدرت جسمانی و غیرت مردانگی کمتری بازنمایی شده اند. از این رو در زمان های گذشته مردان اقوام گوناگون استان گیلان در ساختار خانواده از هیمنه و قدرت زیادی برخوردار بودند و قدرت در خانواده به صورت هرمی و نامتقارن بود و عمدتاً از ابزار خشونت در جهت تثبیت مردانگی سود می جستند. بدین ترتیب قدرت فیزیکی از عناصر مهم مردانگی بود.

**قدرت در خانواده به صورت هرمی
و نامتقارن بود**

- این که شاهد تغییرات مردانگی در اقوام استان گیلان هستیم، به طوری که مردانگی نه در قدرت فیزیکی و کار بدنی ، بلکه بیشتر در کار فکری و ذهنی تعبیر می شود. تغییر معنای مردانگی تداعی کننده دیدگاه نیچه و فوکو مبنی بر این است که معانی مردانگی نیز بدین معنا است که مردانگی طی فرایند تاریخی به شکل تبار شناسانه برساخته شده است زیرا قدرت یکی از عوامل مهم شکل گیری برساخت های تاریخی است.

• از این رو در گذشته مردان اقوام استان گیلان از قدرت فیزیکی و اقتصادی به مثابه ابزار سلطه علیه زنان استفاده می کردند اما با گسترش شهرنشینی، ارتقای تحصیلات و اشتغال زنان، معنای مردانگی سنتی با مقاومت زنان روبرو بوده است و این قدرت به صورت وارونه در خدمت زنان در آمده است. به طوری که با قدرت گرفتن زنان معنای مردانگی **خصلت عاطفی** پیدا کرده است (یعقوبی، ۱۳۹۰)

- بنابراین روایت واحدی از مردانگی وجود ندارد بلکه شاهد تنوع مردانگی درون گروهی (در درون اقوام) و بین گروهی (بین اقوام) در مناطق گوناگون استان گیلان هستیم. از این رو یافته های این پژوهش با مبنای تئوریک کانل (۱۹۹۵)، کیمل (۲۰۰۰) و یافته های پژوهشی راترفورد (۱۹۸۸) در خارج و ذکایی و میرزایی (۱۳۸۴) در داخل همسویی دارد.

نکته مهم آن است که در راستای دو گونه اصلی مردانگی با عنوان مردانگی قدیم و نوین یا تعدیل یافته می توان طیفی از مردانگی های گوناگون را در اقوام استان گیلان پیدا نمود. کسانی که مدافع مردانگی سنتی هستند در جهت حفظ وضع موجود عمل می کنند و با هر گونه تغییر ارزش های مردانگی سنتی مخالفت جدی دارند. این سنخ از مردانگی با اندکی تسامح شباهت نسبی به «مردانگی هژمونیک» در اندیشه کانل دارد و بیشتر در اقوام کرد و تالش نواحی کوهستانی دیده می شود.

طیفی از مردانگی های گوناگون

• در کنار این سنخ و مردانگی، مردانگی نیمه سنتی وجود دارد، اینان با برخی از شاخص های مردانگی سنتی و با برخی جنبه های مردانگی مدرن موافقند. استراتژی این حامیان زیادی در بین مردان اقوام استان گیلان دارد. زیرا آن ها هم از مواهب مردانگی سنتی و هم از منافع مردانگی مدرن بهره مند می شوند. یان سنخ از مردانگی تداعی کننده مفهوم «**مردانگی همدست**» کانل است.

- زیرا آن‌ها از موقعیت مسلط مردانگی هژمونیک در نظام پدرسالاری نفع می‌برند. در نهایت، یکی دیگر از سنخ‌های مردانگی، مردانگی مدرن است که بر خلاف مردانگی سنتی، سیاست مردانگی آنها مبتنی بر استراتژی فمینیستی است که در مناطق شهری اقوام گیلک و ترک استان گیلان دیده می‌شود. گسترش مردانگی مدرن که رویکرد فمینیستی دارد. اسباب نگرانی بخشی از مردان را فراهم آورده، آن‌ها هم از مردانگی هژمونیک و هم از مردانگی مدرن که رویکرد فمینیستی دارد انتقاد می‌کنند. این سنخ از مردانگی را می‌توان با عنوان مردانگی پسامدرن مقوله بندی کرد.



• هر چند این بخش از مردانگی به یک کنش جمعی تبدیل نشده ولی گرایش آن ها در جهت مخالفت با هر گونه تک صدایی جنسیتی است. این سنخ از مردانگی بیشتر در مناطق شهری اقوام گیلک و ترک به ویژه رشت و آستارا دیده می شود. سایر انواع مردانگی، مانند مردان داماد سر خانه و مردان زن نما در بخش پایین سلسله مراتب مردانگی قرار دارند که به تعبیر کانل جزء «**مردانگی فرودست یا حاشیه ای**» محسوب می شوند (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۷۵)

- بر اساس یافته های این مطالعه می توان پیش بینی کرد که در آینده نوعی همانندی و همگونی در خصوص مردانگی در بین اقوام گیلانی و سایر اقوام ایرانی وجود خواهد داشت که در آن، موقعیت های از پیش تعیین شده از قبیل قومیت بیشتر در معرض بازاندیشی قرار خواهد گرفت. البته جهان وطن شدن به هیچ روی نشان دهنده یک جامعه جهان وطن نیست بلکه بیانگر رابطه تعاملی غیر قومی شدن و قویم شدن مجدد است (ذکایی، ۱۳۸۷، ۳۵۲)

بازاندیشی

- روند حرکت خانواده ایرانی نشان از تغییر الگوی مردانگی و تقارن قدرت در خانواده دارد که در آن نوعی دموکراسی مشارکتی در خانواده برقرار و مردانگی هژمونیک با چالش مواجه خواهد شد. از این رو با توجه به تغییر گفتمان اجتماعی- فرهنگی در جامعه پیش بینی می شود که مردانگی سنتی به حاشیه رفته و مردانگی جدید (مدرن) وارد متن زندگی اجتماعی شود.

**تغییر الگوی مردانگی و
تقارن قدرت در خانواده**